

فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی

www.shahrvand-newspaper.ir

صاحب امتیاز: جمعیت هلال احمر

مدیر مسئول: عبدالرسول وصال

سرمدیر: سید افشین امیرشاهی

نشانی: تهران، فلکه دوم صادقیه

ابتدای بزرگراه محمدعلی جناح

کوچه شهید طاهریان، شماره ۲۴

کدپستی: ۱۴۸۳۷۷۸۶۱۷

فکس: ۴۴۹۵۶۱۰۰

تلفن: ۰۲۱-۴۴۹۵۶۱۰۱

تلفن روابط عمومی: ۴۴۹۵۶۱۰۹

چاپ: جام جم

توزیع: شرکت دنیای اقتصاد تابان

تلفن: ۸۷۷۶۲۲۰۰

امور شهرستان ها: ۸۷۷۶۲۲۰۱

تلفن سازمان آگهی ها: ۴۴۹۵۶۲۰۰-۲

فکس: ۴۴۹۵۶۲۰۳

میتوان نام اخلاقی حرفه ای روزنامه شهرود را در سایت بخوانید

http://shahrvand-newspaper.ir/ Misagh_Name

telegram.me/Shahrvand_Newspaper

instagram.com/Shahrvand-Newspaper

این شرح بی نهایت

چون برای عاقل مشکلی پیش آید، غم خود را با هوشیاری و دوراندیشی از میان می برد و عقل را به چاره جویی وامی دارد.

امام حسین (ع)

علم عشق

خوش آمد گل وز آن خوشتر نباشد که در دست به جگر سناغر نباشد

زمان خوشدلی در یاب و در یاب

که دایم در صدف گوهر نباشد

غنیمت دان و می خور در گلستان

که گل تاهفته دیگر نباشد

ایا پرلعل کرده جام زین

بیخشا بر کسی کش ز نباشد

بیای شیخ واز خمخانه ما

شرابی خور که در کوثر نباشد

بشوی اوراق اگر همدرس مایی

که علم عشق در دفتر نباشد

ز من بنیوش دل در شاهده بند

که حسنش بسته ز یور نباشد

شرابی بی خمارم بخش یارب

که باوی هیچ درد در نباشد

من از جان بنده سلطان اوسم

اگر چه پادشاه از چاکر نباشد

به تاج عالم آرایش که خورشید

چنین زیننده افسر نباشد

کسی گیرد خطا بر نظم حافظ

که هیچش لطف در گوهر نباشد

حافظ

در پیچه

عالم خیال

مريم سمیع زادگان | توی خیالیم یک دکمه دارم، ششها قبل از خواب فشارش می دهم، چشمهایم بسته می شود و فیلم سریع برمی گردد عقب، سوزن تان اشتباه نمی کند و خوابش نمی برد. قطار سمان دامغان از ریل خارج نمی شود، تمام مسافران سالم به ایستگاه می رسند، خلبان پرواز سسی ۱۳۰، در خواست فرود اضطراری توی فرودگاه امام را می کند و برج مراقبت به او اجازه می دهد همه خبرنگاران خنده بر لب از پله های هواپیما پایین می آیند. علیرضا افشار همین روزها باز نشسته می شود و رضاصفدری هنوز هم همان تکیه کلام قدیمش را دارد. محمدعلی اینانلو هنوز بی قرار طبیعت است، پالاسکو سر جایش است و کارگران معین یورت توی خانه هایشان، ستایش، شبها پیش مادرش می خواند، مامان آتنا صورت دخترش را هر شب می بوسد و شب بخیر می گوید. و مریم میرزاخانی، امشب توی ینگه دنیا برای دخترش قبل از خواب قصه سپیدرفی و هفت کوزه را می گوید.

مفهوم خوشبختی خوشبختی از آن واژه هایی است که در طول زندگی بارها مفهومی عوض می شود. هر بار در گرو داشتن چیزی... دخترچه که باشی، با داشتن یک پیراهن سفید توری به ذوق عروس شدن یا شاید با داشتن یک دوچرخه از آن قناری سبدمدارها مثلا با یک کورسی، خودت را پرت کنی، روی دسته آن و هی با بزنی و اصلا

فوکوس

۱۳۷ سال پیش، برابر با بیست و نهم جولای ۱۸۹۰ میلادی، ونسان ون گوگ، نقاش پست امپرسیونیسم (پسار یافتگر) هلندی از اورسور اواز (شهری نزدیک پاریس) درگذشت. نقاشی های به جامانده از او شامل پرتره ها، مناظر، طبیعت بیجان، سروه ها، مزایع گندم و گل های آفتابگردان است. ون گوگ، پسری از کارهای شناخته شده اش را در دو سال آخر زندگی خود تکمیل کرد. هر چند او در زمان حیاتی در گمنامی به سر برد و در تمام طول عمر خود تنها یک تابلو، یعنی «تاکستان سرخ» را فروخت، اما اکنون به عنوان یکی از تاثیرگذارترین نقاشان قرن نوزدهم در جهان شناخته می شود.



تقویم تاریخ

رخداد

تعیین یکصد هزار تومان جایزه برای دستگیری محمدعلی شاه قاجار از سوی مجلس شورای ملی (۱۲۹۰ خورشیدی) طرح استیضاح دولت رضاخان از سوی نمایندگان اقلیت مجلس به رهبری سیدحسن مدرس (۱۳۰۳ خورشیدی) نخستین حضور ورزشکاران ایران در المپیک لندن، متشکل از ۳۸ ورزشکار و ۱۴ سرپرست (۱۹۴۸ میلادی) تشکیل سازمان فضایی غیرنظامی فدرال (ناسا)، به دستور دواست آیزنهاور رئیس جمهوری آمریکا و (۱۹۵۸ میلادی)

طلوع

بنیتوموسولینی - روزنامه نگار، سیاستمدار و رهبر ایتالیای فاشیست طی دوران جنگ جهانی دوم (۱۸۸۳ میلادی) ایزیدور ایزناک رابی - فیزیکدان لهستانی تبار آمریکایی، برنده جایزه نوبل فیزیک سال ۱۹۴۴، به خاطر ابداع روش تشدید برای ثبت خواص مغناطیسی هسته های اتمی (۱۸۹۸ میلادی) داگهامر شولند - پدیدآور، اقتصاددان و دومین دبیرکل سازمان ملل متحد، برنده جایزه صلح نوبل (۱۹۰۵ میلادی)

غروب

روبرت شومان - آهنگساز آلمانی دوره رمانتیک در نیمه نخست سده نوزدهم، صاحب آثاری چون: اپرای گنوا، کنسرتو پیانو، کنسرتو ویلن (۱۸۵۶ میلادی) هربرت مار کوزه - فیلسوف و جامعه شناس آلمانی، از اعضای اصلی مکتب فرانکفورت (۱۹۷۹ میلادی) لوئیس بونول - کارگردان و فیلم ساز اسپانیایی، صاحب آثاری چون سگ آندلسی، ویریدایانا (۱۹۸۳ میلادی) هادی اسلامی - بازیگر تئاتر، سینما و تلویزیون ایران، نقش آفرین در آثاری چون: سرب، خواستگاری، میهمانی خصوصی (۱۳۷۲ خورشیدی)

قاب کوچک

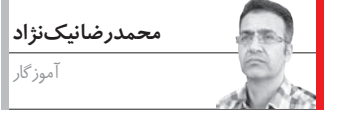


مقاومت دو هفته ای فلسطینی ها با لاکر متوجه داد و گیت های فلزی یاب و دوربین های امنیتی از ورودی های مسجد الاقصی برداشته شد. عکس: احمد قراپلی / AFP

حرف روز

توافق پاریس و نردبان فریب!

و... برینش اینجاست که چگونه این فریب بزگ را ما کشف کردیم و کشورهایی مانند ژاپن و چین و فرانسه و آلمان و هند... در خوانند؟ شاید این کشورها همگی واردکننده نفت و همراه آمریکا هستند، خوب روسیه و نروژ و کشورهای عربی چه؟ اما هر چه در بی اهمیتی این توافق بگوییم، مهم این است که در زمستان ها کشور از شدت آلودگی به نفس تنگی می افتد و خفمان می کند. یاری از پیامدهای حاشیه ای این توافق کاهش داوطلبانه ۴ درصد تولید گازهای گلخانه ای در کشور و ۸ درصد مشروط است و این می تواند افزون بر کاهش آلودگی در کشور، راه را برای دلگرمی تاریخی «اقتصاد بدون نفت» هموار کند و در حاشیه آن زمینه تجارت در گسترده های دیگر را بیش از گذشته فراهم کند. این گذشته چندین نظریه در باره ریشه گر مایش زمین هست و هنوز به شکل مطلق نمی توان هیچ کدام را تأیید یا رد کرد، اما شمار کشورهای امضاکننده توافق، فشار کنشگران و نهادهای محیط زیستی در جهان و خرسندی عمومی بخش محیط زیست دوست کشورهای گوناگون و... نشان می دهد گرایش است، باورش تأثیر زیاد انسان بر تغییرات اقلیمی است، قدرتمندتر است و شمشه شان پرزورتر! اما فرض کنیم همراهی و همکاری جهانی در پاریس یک فریب است! میزان هراس انگیز تولید پلاستیک در جهان چه؟ پلاستیک هایی که دیگر از مرزهای زیستگاهی انسان گذشته و در بافت های زنده ما و ماهی ها و



محمدرضا ضیاعزاد آموزگار

چند روز پیش برنامه ای تلویزیونی با زیر نویس مستند ثریا «نردبان فریب»، حساسم کرد. موضوع نگرانی های گسترده نهادهای کنشگران محیط زیستی جهان و با تلاش فراوان در یک همکاری که مانند جهانی به امضای بیش از ۱۹۰ کشور از جمله ایران به عنوان یکی از اثرگذارترین کشورها رسید. «نردبان فریب» و تهیه کنندگانش پیگیر خروج ایران از این توافق هستند در برنامه و در میان مخالفان توافق، تنها ترمب و دیدگاه های عجیب و پوپولیست افراطی اش و دلزدگی فراگیر از او در میان کنشگران مدنی مستقل جهان را می شناختم؛ و شگفت زده از این که برنامه ثریا با گرایش سیاسی - فرهنگی شناخته شده اش، او و همراهانش در مخالفت با توافق پاریس را الگو قرار داده و در بی زدن زیر آب این سند زیست محیطی مهم است. برنامه ثریا و کارشناسانش بر این باورند که سهم انسان در افزایش دمای کنونی کره زمین تنها ۲۵ درصد است و این سهم اندک نیاز به چنین توافقی ندارد و این کار را در راستای سیاست های تاریخی غرب فریبی دیگر برای کشورهای مانند ایران می دانند

اثر سردی

نامه فلور به لوئیز کوله

از این کتاب (مادام بوواری) خوش خواهد آمد؟ نمی دانم، بسا این حال حس می کنم در این ۱۱۴ صفحه ناهمواری های زیادی هست اما در کل آهنگی زنده دارد. چیزی که حتمی است، این است که از ۸ روز پیش سریع تر جلو رفته. کاش این موضوع ادامه پیدا کند. چون از این روند کند خسته شدم. می دانی هفته گذشته چند صفحه نوشتم؟ یک صفحه که آن هم به نظر خوب نیست! باید تند و بی وقفه جلو می رفتم و چه دردی می کشیدم. ۳ روز روی تمام اثاثیه ام در تمام حالت های ممکن غلت زدم تا چیزی برای گفتن پیدا کنم. لحظات مشتاقانه ای هست که در آن رشته پاره می شود و به نظر می رسد کلاف از هم باز شده؛ با این حال شروع می کنم به بازبینی. اما چقدر زمان از دست رفت! چقدر آهسته جلو می روم و چه چه موجه تر کیبات عمیقی خواهد شد که چنین کتاب ساده ای از من می طلبد؟ طبیعت چه نظم دقیقی دارد و برای واقعی بودن چه ترندهایی که نباید به کار برد. این وسط وحشتناک ترین مسأله این است که ایده ها را باید به هم پیوند داد چون به سرعت از هم وای روند. آن قدر سخت است که گاهی دلم می خواهد بمیرم. اما رنج های هنر. من می شناسم شان... برای همین نوشتن تو امان وحشتناک و لذت بخش است چون آدم کم کم به شکنجه هایی که دست از سرش برنمی دارد، عادت می کند و چیز دیگری از این رنج و لذت تو امان نمی خواهد. اما زندگی خیلی کوتاه است! وقتی فکر می کنم که هیچ وقت آن طور که دوست دارم نخواهم نوشت و نه حتی یک چهارم چیزی را که آرزو دارم، می خواهم فکام را خرد کنم. ۲ سال است که مشغول نوشتن این کتاب هستم. طولانی است، ۲ سال! همیشه با همان پرسوناژها و درمانده در محیطی همان قدر متغیر! چیزی که از پا درمی آورد، نه کلمه است و نه ترکیب، بلکه هدف است. هیچ چیز ندارم که محرک باشد. وقتی به یک موقعیت نزدیک می شوم، پیشاپیش با ابتذالش منجمم می کند. از همین رو است که در نوشتن این کتاب، این همه درد دارم.

سارا سحابی | این روزها علاقه مندانی تلویزیونی جهان، در تب و تاب تماشای فصل هفتم «بازی تاج و تخت» اند؛ سریالی که بسیاری از علاقه مندانی از آن با عنوان بهترین فانتزی تراژیک تلویزیونی در دهه های اخیر یاد می کنند. رکورد تریلر فصل هفتم این سریال در هفته های پیشین زده شد و ۱۰ میلیون نفر، کلیپ ورود به این فصل را دیدند. با این حال به نظر می رسد تاریخ تلویزیون در اعصار گذشته، دهه های پیشین را هرگز از یاد نبرد چون تلویزیون زمانی بسیار قدرتمندتر از اینها پیش می رفت. درست است که شاید با پخش سریال ها و مستندهای این چنین در حال برگشت به دوران قدرت خود باشد، اما چه کسی می تواند لحظات سفر انسان به کره ماه را از یاد ببرد؟ این که آیا واقعا فضانوردان آمریکایی در آن سال پاروی کره ماه گذاشته اند یا نه، بحث این نوشته نیست. این که آیا در پی اجرای ترندهایی سیاسی در دوران جنگ سرد بودند یا نه نیز از منظری دیگر مهم است. مهم این است که ۵۰ میلیون نفر در جهان از طریق تلویزیون این رویداد را دنبال کردند. البته اقبال

روایت

چه کسی چه کسی را کشت؟

تلویزیون فقط محدود به این گونه اتفاقات نبود. سال ۱۹۶۲، مردم آلمان غربی کار را تعطیل می کردند تا زودتر به خانه برسند و بنشینند پای سریال «دستمال گردن» این سریال جنایی براساس رماتی با همین نام نوشته فرانسس داربیچ، نویسنده انگلیسی، ساخته شده بود. زنی جوان به قتل می رسد و جستجو برای یافتن قاتل آغاز ماجراست، اما جالب اینجاست که پیمان کردن قاتل زن تبدیل به یک پرسش ملی شد تا جایی که مجله اشپیکل در یکی از شماره های خود سراغ آن زنست لامر، یکی از وزرای کابینه آلمان رفت و از او پرسید به نظر شما چه کسی زن را به قتل رسانده؟ او هم چنین سوالی علاقه مندانی را یاد اظهار نظر باراک اوباما درباره مردان های مرلین رابینسون (نویسنده کانادایی) و همچنین سریال «کار آگاه حقیقی» (True Detective) می اندازد. هر چند تب و تاب فرق شدن در سریال ها و کتاب ها امروزه دیگر آن قدر نیست که آن سسوالی را بر سرند که از وزیر کابینه آلمان پرسیدند. جالب اینجاست وزیر مذکور تا مسیخی نیز در پاسخ گفته بود: «مهمرم می گوید که

معاون کشیش این قتل را انجام داده اما من به او گفتم امکان ندارد که یک کشیش چنین کاری کند» این وسط بازار حسد و گمان هم داغ بود تا جایی که بالاخره یک مجری در روزنامه آگهی داد و نام قاتل را علنا فاش کرد. لو رفتن نام قاتل در یک سریال آن قدر به هموطنان گران آمد که روزنامه «بیلد» این مجری را «خان به وطن» نامید بهر حال آمارها نشان می داد که ۹۰ درصد مردم آلمان غربی سریال «دستمال گردن» را دنبال می کردند. این در حالی بود که آن روزها تلویزیون به اندازه نصف بهای یک فولکس واگن قیمت داشت و تنها همبلیون نفر تلویزیون داشتند. با این حال، مردم در خانه های هم جمع می شدند و سریال را می دیدند. امروز با یا گرفتن سریال ها، عده ای گمان می کنند تلویزیون دوباره در حال قدرت گرفتن است. شاید حق داشته باشند اما گستره رقابت آن قدر زیاد شده که دیگر کسی به قاتل یک زن فکر نمی کند. مردم هم زمان چند سریال را دنبال می کنند تا فصل های بعدی هر سریال، شاید دیگر یادشان رفته باشد چه کسی چه کسی را کشت!